

The Effect of Parenting Style and Metacognition on the Tendency of Students to Drugs with the Mediating Role of Impulsivity and Self-efficacy of Hakim Sabzevari University Students.

Received: 17, September, 2022

Accepted: 10, December, 2022

Article type: Research Article

PP: 117-142

DOI:

[10.22034/entezam.2023.1272664.2505](https://doi.org/10.22034/entezam.2023.1272664.2505)

Ali Ghodrati

PhD in Educational Psychology,
Islamic Azad University,
Bojnord, Iran (Corresponding
Author). Email:

ghodrati.kian@gmail.com

Tahereh Khosrowjerdi

MA Student in Personality
Psychology, Islamic Azad
University, Sabzevar, Iran.
Email:

tahrek8@gmail.com

Akram Ghodrati

MA in Educational Research,
Ministry of Science, Tehran, Iran.
Email:

aghodrati88@yahoo.com

Abstract

Background and objectives: Several factors are effective in the tendency to use drugs. The purpose of this research was to investigate the effect of drugs on students based on parenting style and metacognition with the mediating role of impulsivity and self-efficacy.

Method: The research method was descriptive-correlation type and structural equations. The statistical population of the research was formed by the students of Hakim Sabzevari University (7248 people). To select the sample, a stratified random sampling method was used and 376 (216 girls and 160 boys) were selected for the statistical sample. The research tools included impulsivity questionnaires by Ernst Barth et al. (2004), addiction susceptibility (APS) by Wade et al. (1992), self-efficacy by Scherer et al. (1982), parenting styles by Baumrind (1991) and metacognition questionnaire (MCQ-30). AMOS software was used for data analysis and the direct and indirect effect of variables on each other was investigated by structural equation method.

Findings: The fit indices of the research model were in a favorable condition. Parenting style had a direct effect on drug abuse. Metacognition had no direct effect on drug abuse. Impulsivity plays a mediating role between parenting style and addiction to drugs. Also, impulsivity plays a mediating role between metacognition and drug use tendency. Self-efficacy does not play a mediating role between metacognition and addiction to drugs, and self-efficacy does not play a mediating role between parenting style and addiction to drugs.

Results: Parenting style had a direct effect on drug abuse. Metacognition had no direct effect on drug abuse. The indirect effect of impulsivity on addiction to drugs was confirmed, but self-efficacy did not play a mediating role in the relationship between independent variables (metacognition and parenting style) and addiction to drugs, and accordingly, in addiction treatment clinics to reduce the level of addiction tendency it is necessary to pay attention to the antecedents of parenting style, self-efficacy, and impulsiveness.

Keywords: Addiction to drugs, Parenting style, Self-efficacy, Impulsivity and metacognition.

تأثیر سبک فرزندپروری و فراشناخت بر گرایش دانشجویان به مواد مخدر با نقش میانجی تکانشگری و خودکارآمدی دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری

چکیده

زمینه و هدف: عوامل متعددی در گرایش به مصرف مواد مخدر مؤثرند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر مواد مخدر بر دانشجویان بر اساس سبک فرزندپروری و فراشناخت با نقش میانجیگری تکانشگری و خودکارآمدی بود.

روش: روش پژوهش، توصیفی - همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری تشکیل دادند (7248 نفر). برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد و تعداد 376 (216 دختر و 160 پسر) برای نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های تکانشگری ارنست بارت و همکاران (۲۰۰۴)، استعداد اعتیاد (APS) وید و همکاران (1992)، خودکارآمدی شرر و همکاران (1982)، شیوه‌های فرزندپروری بامریند (1991) و پرسش‌نامه فراشناخت (MCQ-30) بود. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار «ایموس» استفاده شد و با روش معادلات ساختاری به بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر پرداخته شد.

یافته‌ها: شاخص‌های برازش مدل پژوهش در وضعیت مطلوب قرار داشت. سبک فرزندپروری اثر مستقیم بر سوءمصرف مواد داشت. فراشناخت اثر مستقیم بر سوءمصرف مواد نداشت. تکانشگری نقش میانجی بین سبک فرزندپروری و سوگیری به مواد مخدر ایفا می‌کند. همچنین تکانشگری نقش میانجی بین فراشناخت و سوگیری مواد ایفا می‌کند. خودکارآمدی نقش میانجی بین فراشناخت و سوگیری به مواد مخدر ایفا نمی‌کند و همچنین خودکارآمدی نقش میانجی بین سبک فرزندپروری و سوگیری به مواد مخدر ایفا نمی‌کند.

نتیجه‌گیری: سبک فرزندپروری اثر مستقیم بر سوءمصرف مواد داشت. فراشناخت اثر مستقیم بر سوءمصرف مواد نداشت. اثر غیرمستقیم تکانشگری بر سوگیری به مواد مخدر مورد تأیید قرار گرفت ولی خودکارآمدی در رابطه بین متغیرهای مستقل (فراشناخت و سبک فرزندپروری) با سوگیری به مواد مخدر، نقش میانجی ایفا نکرد و بر این اساس، در کلینیک‌های درمان اعتیاد برای کاهش سطح گرایش به اعتیاد توجه به پیشایندهای سبک فرزندپروری، خودکارآمدی، تکانشگری ضروری است.

کلیدواژه‌ها: سوگیری به مواد مخدر، سبک فرزندپروری، خودکارآمدی، تکانشگری و فراشناخت.

دریافت: 1401/06/26

پذیرش: 1401/09/19

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: 117-142

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/entezam.2023.1272664.2505](https://doi.org/10.22034/entezam.2023.1272664.2505)

علی قدرتی

دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول).
رایانامه:

ghodrati.kian@gmail.com

طاہره خسروجردی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد، سبزواری، ایران.
رایانامه:

tahrek8@gmail.com

اکرم قدرتی

کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، وزارت علوم، تهران، ایران. رایانامه:

aghodrati88@yahoo.com

امروزه اختلالات مصرف مواد و عواقب وخیم و ناخوشایند آن، از مهم‌ترین مشکلات سلامت عمومی در سراسر دنیا به‌شمار می‌رود. این مشکلات، جامعه و به‌خصوص نسل جوان را به‌صورت جدی تهدید می‌کند. سرعت انتشار مصرف مواد مخدر در جوانان بالاتر از هر گروه سنی است که سابقه‌ای چند هزارساله دارد. به‌دلیل عواقب سوء و منفی بلندمدت مصرف مواد مخدر در اقشار مختلف جامعه، بالأخص جوانان، این موضوع به‌طور خاص مورد توجه روان‌شناسان بالینی و روان‌پزشکان قرار گرفته است. روند صعودی مصرف مواد مخدر و سوءمصرف مواد در نسل جوان، سلامت روانی این قشر را با خطر جدی مواجه ساخته است. گزارش‌ها نشان می‌دهند دانشجویان دانشگاه‌ها (مورد هدف پژوهش حاضر) نیز به‌عنوان بخشی از نیروی جوان جامعه از آسیب‌های مختلف روانی - اجتماعی در امان نیستند و گاهی در معرض خطر استفاده از مواد مخدر و سوءمصرف مواد قرار دارند (بهادری خسروشاهی و خانجانی، 1392، ص 81).

خسارت‌های اجتماعی و اقتصادی مصرف مواد به‌طور یکسان فشار تحمل‌ناپذیری بر زیرساخت‌ها اجتماعی کشورهای پیشرفته و روبه‌پیشرفت وارد می‌آورد. مهم‌ترین پیامدهای سوءمصرف مواد، خشونت، بزهکاری و وقوع جرم است. مشهود است که سوءمصرف مواد نتیجه یک عامل نیست بلکه عوامل و متغیرهای بسیاری در آن دخالت دارند؛ این عوامل شامل عوامل فردی (عوامل روانی، زیستی و بیولوژیک)، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی است و هر کدام از این سه عامل نیز به‌تنهایی قادرند موجب گرایش فرد به اعتیاد شوند. در حیطه عوامل فردی متغیرهای «خودکارآمدی، سبک فرزندپروری، فراساخت و تکانشگری» از جمله عوامل اساسی به‌شمار می‌روند. در ادامه به توضیح و نقش هر یک از متغیرهای فوق بر رفتار سوءمصرف مواد پرداخته شده است. بر اساس نظر بندورا¹، رفتار سوءمصرف مواد تحت تأثیر عوامل درون‌فردی همچون خودکارآمدی قرار می‌گیرد. تحقیقات پیشین نشان می‌دهد بین سطوح پایین

خودکارآمدی و سوءمصرف مواد رابطه وجود دارد؛ اما در مقابل افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند، پایداری بیشتری از خود نشان می‌دهند و تفکرات منفی را درباره خود و توانایی خود نمی‌پذیرند. بر این اساس، احساس خودکارآمدی به آن‌ها کمک می‌کند تا در مقابل مواد و فشار دوستان مقاومت کرده و رفتارهای خود را کنترل کنند. از آنجاکه الگوی ارتباطی خانواده هم به صورت مستقیم و هم از طریق متغیر خودکارآمدی بر گرایش به مصرف مواد دانشجویان اثر دارد، تلاش برای ارتقای خودکارآمدی دانشجویان و توجه به الگوهای ارتباطی خانواده در جهت پیشگیری و کاهش گرایش دانشجویان به مصرف مواد اثربخش خواهد بود (علائی خرایم، بشرپور، حاجلو و نریمانی، 1399، ص 29). تقویت متغیرهایی همچون خودکارآمدی، می‌تواند مهارت و آمادگی جوانان را در مقابله مؤثر با عوامل و موقعیت‌های خطر (مانند سوءمصرف مواد) ارتقا دهد؛ بنابراین، با توجه به اهمیت خودکارآمدی در این پژوهش، این مؤلفه به عنوان متغیر میانجی، به مدل پژوهش اضافه شده است.

در ارتباط با سبک‌های فرزندپروری و سوءمصرف مواد می‌توان گفت روابط خانوادگی و الگوهای رفتاری نقش مهمی در کشش جوانان به سوی مواد مخدر دارند. تحقیقات علمی زیادی نشان داده است که روابط والدین با جوانان که مبتنی بر گرمی، پذیرش، حمایت و احترام متقابلو درعین حال اقتدار و کنترل متعادل است، نقش بسیار مؤثری در حفاظت فرزندان در گرایش به سوءمصرف مواد دارد. از طرفی روابط مبتنی بر کنترل و محدودیت شدید و عدم رابطه نیکو یا روابط مبتنی بر سهل‌گیری و آزادگذاری بیش‌ازحد، زمینه گرایش به سوءمصرف مواد را افزایش می‌دهند؛ بنابراین، با توجه به اهمیت سبک‌های فرزندپروری، این سازه به عنوان متغیر اصلی، به مدل پژوهش اضافه شده است. باورهای فراشناختی یکی از دیگر از متغیرهایی است که در جریان سوءمصرف مواد مختل می‌شود و عاملی بالقوه در گرایش و استفاده از مواد مخدر است. به طور کلی، باورهای فراشناخت، به باورهایی که فرد در مورد تفکر خود و فرایندهای آن دارد مربوط می‌شود. باورهای فراشناختی ناکارآمد، باعث می‌شوند که افراد در موقعیت‌های مشکل‌زا، دچار سندرم شناختی توجهی

گردند که خود شامل ترکیبی از سبک‌های تفکر تکراری، عادات توجهی ناسازگار، نگرانی، اندیشناکی و راهبردها و رفتارهای مقابله‌ای خودنظم‌بخش و ناسازگار است. با توجه به اهمیت باورهای فراساختی، این سازه به‌عنوان متغیر اصلی، به مدل پژوهش اضافه شده است. در ارتباط با تکانشگری و سوءمصرف مواد می‌توان گفت تکانشگری به‌عنوان زمینه‌ساز واکنش‌های بدون برنامه و سریع به محرک‌های درونی یا بیرونی، بدون توجه به پیامدهای منفی این واکنش‌ها به خود یا دیگران تعریف شده است. تکانشگری طیف گسترده‌ای از رفتارهایی است که روی آن‌ها کمتر تفکر شده، به‌صورت رشدناپافته برای دستیابی به یک پاداش یا لذت بروز می‌کنند، از خطر بالایی برخوردارند و پیامدهای ناخواسته قابل‌توجهی را در پی دارند. همچنین توانایی کنترل تکانشگری و وابستگی به مواد در فهم و پیش‌بینی پرخاشگری بااهمیت هستند (درتاج، 1392). با توجه به اهمیت تکانشگری، این سازه به‌عنوان متغیر میانجی، به مدل پژوهش اضافه شده است.

با توجه به آنچه گفته شد، مطالعه سوءمصرف مواد به‌صورت روابط دوجه‌دو مثل مطالعات فوق، صرفاً زمینه‌ساز مطالعات گسترده می‌باشند و در نتیجه، ضروری است که مطالعات متغیرهای فوق به‌صورت یکپارچه صورت پذیرد. این مهم ضرورت مطالعات مدل‌یابی را دوچندان می‌کند. اهمیت مطالعه حاضر بدین جهت است که سعی خواهد کرد گامی در جهت شناسایی این عوامل بردارد تا با استفاده از آن، مدلی مناسب برای پیش‌بینی سوءمصرف مواد در بین دانشجویان ارائه کند؛ بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش این است: سبک فرزندپروری و فراساخت با نقش میانجی متغیرهای تکانشگری و خودکارآمدی در گرایش دانشجویان به مواد مخدر به چه میزان تأثیر دارند؟

پیشینه و مبانی نظری

قانعی حقیقت (1398)، در پژوهشی با عنوان «نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در رابطه بین جو عاطفی خانواده و گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان مقطع متوسطه» نشان داد بین جو عاطفی خانواده و گرایش به اعتیاد، رابطه منفی و

معنادار وجود دارد. بین خودکارآمدی و گرایش به اعتیاد، رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بین جو عاطفی خانواده و خودکارآمدی، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. خودکارآمدی نقش واسطه‌گری معناداری برای جو عاطفی خانواده و گرایش به اعتیاد ایفا می‌کند.

غدیری صورمان‌آبادی، عبدالمحمدی و یوسف‌زاده (1396)، پژوهشی با عنوان «مروری بر عوامل روان‌شناختی مرتبط با گرایش به سوءمصرف مواد مخدر در ایران» انجام دادند. در این پژوهش عوامل روان‌شناختی مرتبط با اعتیاد که در 20 سال اخیر در پژوهش‌های ایران به‌دست آمده، جمع‌آوری شده است. عوامل روان‌شناختی مرتبط شناسایی شده عبارت بود از: سبک دلبستگی، خودکارآمدی، دین‌داری، ناگویی هیجانی، سبک فرزندپروری، تکانشگری، راهبردهای مقابله‌ای، تاب‌آوری، نشاط ذهنی، کمال‌گرایی، عزت‌نفس، باورهای فراشناخت و استرس ادراک‌شده. این مطالعه به متخصصان و درمانگران چشم‌اندازی جهت شناسایی عوامل تهدیدکننده و مستعدکننده اعتیاد و در صورت لزوم انجام مداخلات متناسب را پیشنهاد می‌کند.

فولادی، درویش‌زاده و کاویانی بروجردی (1396)، پژوهشی با عنوان «بررسی نقش خشونت و تکانشگری در پیش‌بینی گرایش به سوءمصرف مواد نوجوانان (مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم خانمیرزا)» انجام دادند. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که متغیرهای خشونت و تکانشگری به‌طور معناداری توانایی پیش‌بینی آمادگی گرایش به سوءمصرف مواد را دارند. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای خشونت و تکانشگری در مجموع، توانایی پیش‌بینی پراکنش متغیر آمادگی گرایش به سوءمصرف مواد نوجوانان را نشان دادند.

محمودی (1395)، پژوهشی با عنوان رابطه تأییدجویی، تکانشگری و اضطراب نوجوانان با شیوه‌های فرزندپروری والدین انجام داد. نتایج نشان داد بین تأییدجویی، تکانشی‌بودن و اضطراب نوجوانان با شیوه‌های فرزندپروری والدین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری والدین از عوامل تأثیرگذار بر سلامت نوجوانان است؛

والدینی با شیوه فرزندپروری مقتدرانه، دارای فرزندان با تأییدجویی بالاتر و تکانشی بودن و اضطراب پایین تر هستند.

بروسنان، کولوبینسکی و اسپادا^۱ (2020) پژوهشی با عنوان «سبک‌های فرزندپروری و فراساخت‌ها به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده مصرف حشیش» انجام دادند. نتایج نشان داد، سبک‌های فرزندپروری مجاز و اقتدارگرا و فراساخت رابطه همبستگی منفی دارند.

ترپورکار، مارتینز و مستریسکریوا^۲ (2019)، پژوهشی با عنوان «مصرف مواد در نوجوانی اولیه و میانی و نقش خودکارآمدی تحصیلی و فرزندپروری» انجام دادند. در این پژوهش، 762 نفر از نوجوانان پسر 12 تا 16 سال بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای به‌صورت تصادفی در اسپانیا انتخاب شدند. نتایج نشان داد که مصرف مواد و بی‌توجهی والدین در نوجوانی متوسط نسبت به اوایل نوجوانی بیشتر است. حمایت و ارتباطات خانوادگی و درک خودکارآمدی تحصیلی کمتر است. مصرف مواد با غفلت والدین، کنترل روانی و طرد شدن رابطه مثبت دارد. روابط بین غفلت و کنترل روان‌شناختی و مصرف مواد با خودکارآمدی تحصیلی تعدیل می‌شود و رابطه بین کنترل روان‌شناختی و مصرف مواد با خودکارآمدی تحصیلی واسطه می‌شود.

کاب کلارک، سالامانسا و زو^۳ (2019)، پژوهشی با عنوان «سبک‌های فرزندپروری به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری در جهت توسعه انسانی» انجام دادند. نتایج نشان داد، سبک‌های فرزندپروری با ناملایمات اقتصادی و اجتماعی رابطه همبستگی منفی دارد. علاوه بر این، سبک‌های فرزندپروری نقش تعیین‌کننده و مهمی در جهت توسعه انسانی ایفا می‌کنند.

اسپادا، ولز، نیکسویک و مونتا^۴ (2015)، در پژوهشی با عنوان «فراساخت در رفتارهای اعتیادآور» نشان دادند طبق مدل جدید نظریه فراساختی (S-

1- Brosnan&kolubinski&spada

2- Tur-Porcar, Jiménez-Martínez & Mestre-Escrivá

3- Cobb-Clark, Salamanca & Zhu

4- Spada, Nikčević, Moneta & Wells

(REF)، پریشانی روان‌شناختی به‌دلیل سبک‌های مقابله‌ای غیرمستقیم که در نتیجه باورهای فراشناختی فعال می‌شوند، ادامه می‌یابد. در این پژوهش، مدل S-REF و کاربرد آن در رفتارهای اعتیادآور با استفاده از فرمولاسیون فراشناختی سه‌گانه توضیح داده شده است.

کالافات، گارسیا جوان و بیکن^۱ (2014)، در پژوهشی با عنوان «کدام سبک فرزند پروری در برابر مصرف مواد در نوجوانان محافظت بیشتری دارد؟» با بررسی این پرسش که کدام یک از شیوه‌های فرزندپروری افراد را در برابر استفاده از مواد می‌تواند محافظت کند؟ شواهدی را از اروپا ارائه دادند. در این پژوهش، مصرف مواد اعم از الکل، دخانیات و مواد مخدر غیرقانونی مدنظر قرار گرفت. نتایج نشان داد از بین سبک‌های فرزندپروری، سبک فرزندپروری مقتدرانه (سخت‌گیری همراه با محبت) توانست افراد را در برابر استفاده از مواد محافظت کند. همچنین نتایج نشان داد عزت‌نفس، عملکرد تحصیلی و اختلالات شخصی نیز از مصرف مواد تأثیر می‌پذیرند.

تام، چانگ، کادرولو و کو^۲ (2012)، پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه سبک‌های والدین و خودکارآمدی نوجوانان در مالزی» انجام دادند. در این پژوهش اشاره شد، مطالعات قبلی نشان داده‌اند که سبک‌های فرزندپروری با عزت‌نفس نوجوانان، مصرف مواد مخدر و الکل، بزهکاری و عملکرد تحصیلی ارتباط دارد؛ لذا در پژوهش خود، متغیر خودکارآمدی که در مطالعات قبلی نبود را مورد بررسی قرار دادند. 120 دانشجو زن و مرد در این پژوهش شرکت داشتند. نتایج نشان داد تنها سبک فرزندپروری اقتدارگر بر خودکارآمدی دانش‌آموزان تأثیر مثبتی داشته است.

کادن و لیت^۳ (2011)، در پژوهشی با عنوان «نقش خودکارآمدی در درمان اختلالات مصرف مواد و رفتارهای اعتیادآور» به مرور پژوهش‌های اخیر در مورد خودکارآمدی در زمینه سوءمصرف مواد پرداختند. نتایج نشان داد که در

1- Calafat, García, Juan, Becoña, & Fernández-Hermida

2- Tam, Chong, Kadirvelu & Khoo

3- Kadden & Litt

مطالعات بی‌شماری در مورد درمان سوءمصرف مواد، خودکارآمدی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده مهم یا به‌عنوان نقش واسطه‌ای در مورد تأثیرات درمانی ظاهر شده است. این بررسی پیشنهادهایی برای تحقیقات بیشتر به‌منظور بهبود درک این مفهوم بالقوه بالارزش و همچنین بررسی تعاملی آن با متغیرهای دیگر ارائه داد و درنهایت، راهکارهای مؤثر برای افزایش خودکارآمدی تدوین شد.

با توجه به آنچه گفته شد، مطالعه سوءمصرف مواد به‌صورت روابط دویه‌دو مثل مطالعات فوق، صرفاً زمینه‌ساز مطالعات گسترده می‌باشند. در نتیجه ضروری است که مطالعات متغیرهای فوق به‌صورت یکپارچه انجام شود. این مهم ضرورت مطالعات مدلیابی را دوچندان می‌کند. اهمیت مطالعه حاضر بدین جهت است که سعی خواهد شد گامی در راستای شناسایی این عوامل برداشته شود تا با استفاده از آن مدلی مناسب برای پیش‌بینی سوءمصرف مواد در بین دانشجویان ارائه شود. هدف از اجرای این تحقیق، تأثیر مواد مخدر در دانشجویان بر اساس سبک فرزندپروری و فراساخت با نقش میانجیگری تکانشگری و خودکارآمدی است.

مبانی نظری

در مورد مصرف مواد، فروید عقیده دارد کیفیت متعادل بودن و یا نامتعادل بودن شخصیت و وضع روانی هر فرد بستگی به چگونگی مبارزه نیروی مرگ و زندگی دارد؛ بدین شرح که اگر این تضاد روانی، متعادل باشد زندگی انسان آرام است اما هرگاه در این نبرد نیروی زندگی بر نیروی مرگ پیروز شود، انسان به کم‌رویی و گوشه‌نشینی روی خواهد آورد؛ و اگر نیروی مرگ بر نیروی زندگی پیروز شود، موجب خشونت و پرخاشگری و ایجاد تمایل به اعمال وحشیانه و مخرب می‌شود و امیال و تمایلات او فقط با زجر و شکنجه دادن دیگران ارضا می‌شود. اساس و ریشه این عوامل روانی در کودکی به‌وجود می‌آید و از همان زمان به شخصیت انسان شکل می‌دهد؛ اما گاهی این اعمال به آزار دادن خود و انحراف ذهنی منجر می‌شود. از شایع‌ترین این انحراف‌ها گرایش به مواد مخدر، اعتیاد و مصرف بیش از حد الکل (الکلیسم) است.

«خودکارآمدی» یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه شناختی اجتماعی بندورا است. این مفهوم به قضاوت فرد در توانایی‌های خود در انجام یک کار خاص و یا تطبیق با شرایط خاص مرتبط می‌شود. از نظر بندورا، عملکرد فرد نتیجه تعامل پویای سه عامل مهم «رفتار فرد، عوامل شخصی (مانند افکار، باورها) و شرایط محیطی» است. خودکارآمدی، اطمینان خاطری است که شخص در مورد یک فعالیت خاص احساس می‌نماید و در نتیجه می‌تواند وی را به اتخاذ رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت و ترک رفتارهای مضر سلامت قادر سازد و از این‌رو موجب حفظ و ارتقای رفتارهای مؤثر در سلامتی شود.

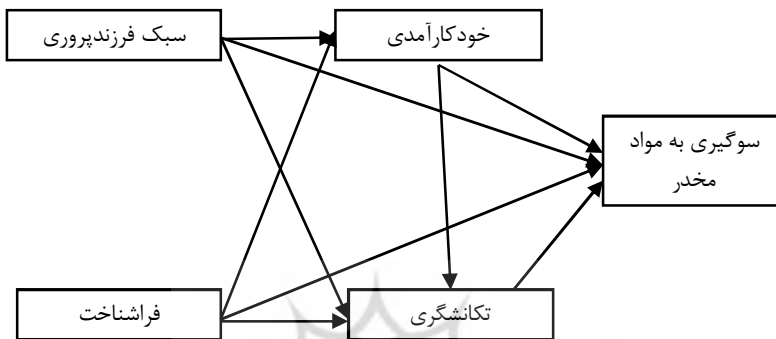
از دیدگاه نظریه زیستی در مورد تکانشگری، و مؤلفه زیستی عمده بر پدیده‌های تکانشگری و خشونت تأثیرگذار هستند. میانجی‌های عصبی درگیر در تکانشگری که مربوط به سیستم‌های به هم وابسته دوامینرژیک، گاما آمینوبوتیریک اسید و اوپیونیدها است. افرادی که گرایش به سوءمصرف مواد و رفتارهای پرخاشگرایانه دارند، سطوح پایینی از دوپامین و سروتونین و بلوک شدن گیرنده‌های سروتونین را در مسیرهای عصبی خود نسبت به کسانی که گرایش به سوءمصرف مواد ندارد، نشان می‌دهند. همچنین در نظریه رویکرد اجتماعی، تکانشگری به عنوان یک رفتار آموخته شده از محیط، تلقی می‌گردد؛ کودک می‌آموزد برای به دست آوردن پاداش، به طور سریع واکنش نشان دهد. بر این اساس، افراد تکانشگر قادر به ارزیابی عواقب اعمالشان چه نسبت به خودشان و چه نسبت به سایرین نخواهند بود.

سبک فرزندپروری بنا بر نظریه بامریند، شامل نگرش و روش‌های تشویق و تنبیه و انتظاراتی است که والدین از فرزندان دارند. این روش‌ها برای ایجاد خصوصیات از جمله شاد بودن، اتکای به نفس، تنظیم هیجانی، مهارت‌های قوی اجتماعی، استقلال، قدرت قضاوت خوب و... در فرزندان است.

«فراشناخت» طبق نظریه فلاول شامل چهار مؤلفه «دانش فراشناختی، تجارب فراشناختی، اهداف شناختی و تعامل اجزا» می‌شود. دانش فراشناختی، دانش و باور شخصی درباره متغیرهایی است که توانایی‌های شناختی و ذهنی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تجارب فراشناختی دربرگیرنده پاسخ‌های ذهنی و

درونی فرد به دانش، اهداف و یا راهبردهای فراساختی خویش است. اهداف شناختی شامل راهبردهایی است که برای رسیدن به هدف «کنترل پیشرفت» از آن‌ها استفاده می‌شود؛ و هر یک از این اجزا می‌تواند دیگری را برانگیزد.

مدل مفهومی پژوهش، بر اساس مرور میانی نظری و پژوهش‌های انجام‌شده، به شکل زیر است:



شکل 1: مدل مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش از نوع توصیفی - همبستگی، با استفاده از روش‌های مدلیابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری تحقیق، تمامی دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری در نیمسال اول تحصیلی (به تعداد 7248 نفر) بودند. در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. طبق فرمول، حجم نمونه عددی معادل 376 است؛ 216 نفر دانشجوی دختر (از 4200 دانشجوی دختر حائز شرایط) و 160 دانشجوی پسر (از 3048 دانشجوی پسر حائز شرایط)، نمونه آماری پژوهش را تشکیل دادند. پرسش‌نامه تکانشگری ارنست بارت و همکاران (۲۰۰۴): بر پایه نظریه شخصیتی بارت قرار دارد که حاوی 25 سؤال است و سه عامل تکانشگری شناختی (4 ماده)، تکانشگری حرکتی (12 ماده) و بی‌برنامگی (9 ماده) را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات عامل اول 0/79، برای سؤالات عامل دوم 0/70 و

برای سؤالات عامل سوم 0/72 بوده و پایایی نمرات کل 0/79 به دست آمده است. پرسش‌نامه استعداد اعتیاد (APS) وید و همکاران (1992): مقیاس APS، 38 پرسش دارد که با گزینه‌های «درست» یا «غلط» ارزیابی می‌شوند. پایایی پرسش‌نامه در پژوهش حاضر 0/75 به دست آمد.

پرسش‌نامه خودکارآمدی شرر و همکاران (1982): این پرسش‌نامه 23 سؤال دارد. پایایی پرسش‌نامه در پژوهش حاضر 0/80 به دست آمد. پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (1991): بوری (1991) پایایی سه خرده‌مقیاس به ترتیب برای سبک‌های مقتدر، مستبد و رها، 0/92، 0/85 و 0/81 محاسبه کرده است. در پژوهش حاضر، پایایی سه خرده‌مقیاس به ترتیب برای سبک‌های مقتدر، مستبد و رها، 0/90، 0/81 و 0/79 به دست آمده است. پرسش‌نامه فراشناخت (MCQ-30): یک مقیاس 30 گویه‌ای خودگزارشی است که باورهای افراد درباره تفکرشان را می‌سنجد. نتایج ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر، اعتماد شناختی (0/65)، باورهای مثبت (0/78)، خودآگاهی (0/73)، باورهای منفی (0/70)، باور نیاز (0/74). در پژوهش حاضر، استفاده از روش‌های آماری به دو شکل توصیفی و استنباطی انجام گرفت. آمار توصیفی را عمدتاً با کمک نرم‌افزار SPSS-24 و مفاهیمی از قبیل جدول توزیع فراوانی، اندازه‌های گرایش به مرکز، اندازه‌های پراکندگی و نظایر آن تشکیل داد. آمار استنباطی توسط نرم‌افزار ایموس (AMOS) انجام گرفت و قبل از انجام آن، برای نرمال‌بودن چندمتغیره داده‌ها از ضریب ماردیا استفاده شد. همچنین جهت شناسایی داده‌های پرت تک‌متغیره از نمودار جعبه‌ای و فاصله ماهالانوبیس استفاده گردید. با توجه به اینکه ماتریس همبستگی، مبنای تجزیه و تحلیل مدل‌های علی به‌خصوص مدلیابی معادلات ساختاری است؛ قبل از پرداختن به آزمون الگوی نظری، ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش همراه با سطح معناداری آن‌ها گرفته شد. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق به بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر با نرم‌افزار ایموس (AMOS) پرداخته شد.

یافته‌ها

یافته‌های جمعیت‌شناختی به‌صورت فراوانی و درصد در قالب جدول به شرح ذیل گزارش می‌شود.

جدول 1. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری

متغیر	طبقه‌بندی متغیر	فراوانی (نفر)	درصد
سن	18 تا 20	100	24/81
	21 تا 23	150	37/22
	24 تا 26	75	18/61
	27 تا 29	33	8/19
	30 تا 32	22	5/46
	33 تا 35	3	0/74
	36 تا 38	6	1/49
	39 تا 41	10	2/48
	42 و بالاتر	4	9/93
تحصیلات	کارشناسی	310	76/92
	کارشناسی ارشد	80	19/85
	دکتری	13	3/23
جنسیت	مرد	239	59/3
	زن	164	40/7
تاهل	متاهل	88	21/84
	مجرد	315	78/16

با توجه به جدول بالا، بیشترین افراد نمونه (37/22 درصد) زنان و مردان در محدوده سنی 21 تا 23 سال و کمترین تعداد (0/74 درصد) در محدوده سنی 33 تا 35 سال می‌باشند. 88 نفر متأهل (21/84 درصد) و 315 نفر مجرد (78/16 درصد) هستند. همچنین از نظر تحصیلات، بیشترین افراد نمونه (76/92 درصد) را زنان و مردان دانشجوی لیسانس و کمترین تعداد یعنی 13 نفر (3/23 درصد) را زنان و مردان دانشجوی دکتری تشکیل می‌دهند.

جدول 2. آماره‌های توصیفی خرده‌مقیاس‌های پژوهش

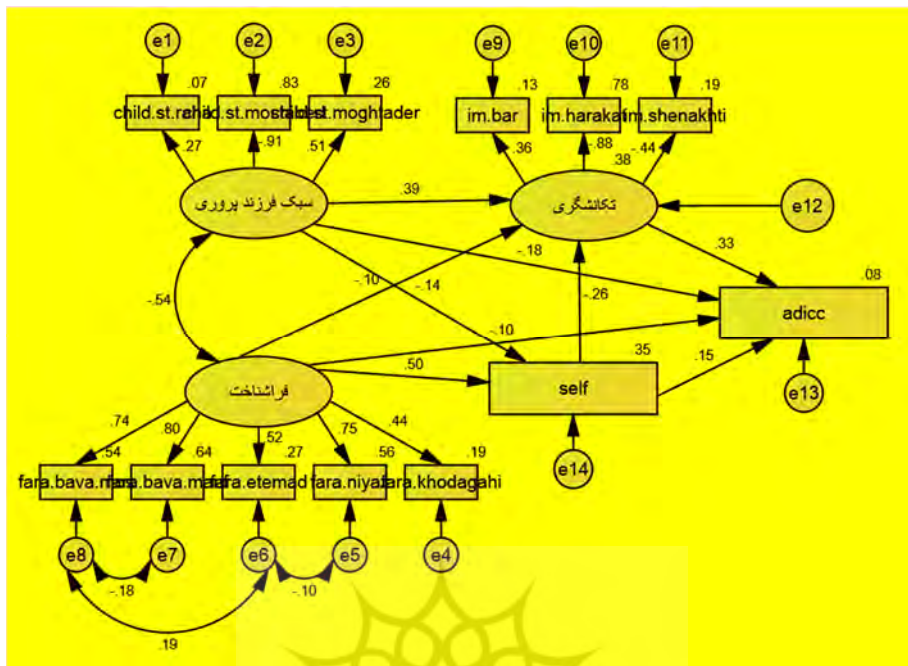
مقیاس‌ها	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سوگیری به مواد مخدر	21/37	4/08	10	32
خودکارآمدی	51/23	4/57	37	67
رها	27/22	4/45	15	39
مستبد	26/72	5/90	13	42
مقتدر	34/09	6/18	20	48
باورهای مثبت	14/48	2/69	8/00	21/00
باورهای منفی	15/77	2/55	10/00	23/00
اعتماد شناختی	13/50	3/11	6/00	21/00
باور نیاز	15/17	2/44	9/00	21/00
خودآگاهی	19/71	2/55	13/00	27/00
عدم برنامه‌ریزی	25/79	3/90	18/00	35/00
حرکتی	27/55	4/39	17/00	40/00
شناختی	10/41	1/49	6/00	15/00

فرزندپروری

فرساختن

تکانشگری

یکی از مفروضه‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری، نرمال بودن توزیع چندمتغیری است. برای این منظور در نرم‌افزار AMOS از ضریب کشیدگی چندمتغیری مardia استفاده شد. مقدار ضریب مardia برای داده‌های پژوهش برابر 2/10 به دست آمد که نشان می‌دهد مفروضه نرمال بودن چندمتغیره برقرار است. همچنین نتایج فاصله ماهالانوبیس، بزرگ‌تر یا مساوی ملاک خی دو (D.F=12, $X^2=26.217$) نبود؛ بنابراین، مقادیر پرت چند متغیره در داده‌ها وجود نداشت (در ابتدا تعداد نمرات 89 نفر از داده‌ها حذف شدند). در ادامه، نتایج حاصل از اجرای مدل ساختاری پژوهش ارائه می‌شود.



شکل 2: مدل در حال ضرایب استانداردشده

شاخص‌های برازش مدل در جدول 3 ارائه شده است.

جدول 3. شاخص‌های برازش مدل

مقادیر	شاخص‌ها
حد مجاز	مقدار
کمتر از 3	χ^2/ df
کمتر از 0/08	ریشه میانگین خطای برآورد ¹
بالاتر از 0/9	برازندگی تعدیل یافته ²
بالاتر از 0/6	برازندگی نرم شده مقتصد ³
بالاتر از 0/9	نیکویی برازش اصلاح شده ⁴

1- Root Mean Square Error Approximation

2- Comparative Fit Index

3- Parsimony Normed Fit Index

4- Goodness of Fit Index

در برنامه ایמוש، هر یک از شاخص‌های به‌دست‌آمده، به‌تنهایی دلیل بر برازندگی یا عدم برازندگی مدل نیست و شاخص‌ها در کنار هم باید تفسیر شود. شاخص‌های برازش مدل پژوهش، در دامنه‌های مورد قبول می‌باشند. با توجه به این مطالب، مدل نهایی تحقیق دارای برازش است.

جدول 4. ضرایب و معناداری اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر سوءمصرف مواد

معناداری	آماره بحرانی	ضریب مسیر (استاندارد شده)	ضریب مسیر (استاندارد نشده)	نوع اثر	متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک
0/047	1/99	0/15	0/13	مستقیم	خودکارآمدی	سوءمصرف مواد
0/25	-1/15	-0/10	-0/38	مستقیم	فراشناخت	سوءمصرف مواد
0/048	-2	-0/18	-0/66	مستقیم	سبک فرزندپروری	سوءمصرف مواد
0/002	3/13	0/33	0/96	مستقیم	تکانشگری	سوءمصرف مواد
0/116	-0/022	0/042	0/09	با میانجی‌گری خودکارآمدی	فراشناخت	سوءمصرف مواد
0/037	-0/05	-0/003	-0/009	با میانجی‌گری خودکارآمدی	سبک فرزندپروری	سوءمصرف مواد
-0/052	-0/272	-0/142	-0/289	با میانجی‌گری تکانشگری	فراشناخت	سوءمصرف مواد
0/546	0/106	0/253	0/619	با میانجی‌گری تکانشگری	سبک فرزندپروری	سوءمصرف مواد

آنچه از نتایج جدول فوق برمی‌آید این است که خودکارآمدی، سبک فرزندپروری و تکانشگری اثر مستقیم بر سوءمصرف مواد داشتند ($p < 0/05$). برای بررسی روابط میانجی‌گری بین متغیرهای پژوهش از روش بوت استرپ استفاده شد. فرضیه مطرح‌شده در ارتباط با وجود اثر غیرمستقیم تکانشگری بر سوگیری به مواد مخدر با 95 درصد اطمینان مورد تأیید بود ($p < 0/05$) ولی خودکارآمدی در رابطه بین متغیرهای مستقل (فراشناخت و سبک فرزندپروری) با سوگیری به مواد مخدر، نقش میانجی ایفا نکرد ($p > 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر مبنی بر اثر مستقیم سبک فرزندپروری بر سوءمصرف مواد، در راستای نتایج پژوهش قانعی حقیقت (1398)، کالافت و همکاران (2014) قرار دارد. سبک‌های فرزندپروری و نحوه پاسخگویی نوجوانان به انواع مختلف فرزندپروری، یکی از عواملی است که در مصرف مواد در بزرگسالی نقش دارد. فرزندانی که والدین آن‌ها از روش فرزندپروری کارآمد استفاده می‌کنند در مقایسه با فرزندانی که والدین آن‌ها از روش فرزندپروری ناکارآمد استفاده می‌کنند از عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس بیشتری برخوردارند و نسبت به جوانان دیگر امیدوارترند. در فرایند رشد و پرورش فرزند اگر سبک فرزندپروری والدین سبکی کارآمد باشد، والدین توقعاتی دارند که در ارتباط با توانایی‌های در حال رشد فرزندشان معقول است. این والدین از طریق تنظیم کردن انتظاراتشان با توانایی فرزندانشان خود در پذیرفتن مسئولیت رفتارشان به فرزندانشان کمک می‌کنند تا بفهمند آن‌ها افراد شایسته‌ای هستند و می‌توانند خودشان زندگی روزمره را با موفقیت بگذرانند؛ در این حالت، رفتار پخته و مستقل در فرزندانشان پرورش یافته و در نتیجه رفتارهای ناسالمی چون سوءمصرف مواد در جوانان کاهش می‌یابد. سبک فرزندپروری مقتدرانه (انتظارات معقول با ایجاد محدودیت‌های منطقی، ابراز محبت و مشارکت فرزند در تصمیم‌گیری‌ها) به‌طور معکوس قادر به پیش‌بینی تغییرات آمادگی به مصرف مواد است. همچنین سبک فرزندپروری بر خودکارآمدی تأثیر مستقیم دارد؛ که در راستای نتایج پژوهش تریور کار و همکاران (2019)، تام و همکاران (2012) است. با توجه به سبک‌های فرزندپروری متفاوتی که فرزندانشان از سوی خانواده و والدین دریافت می‌کنند به تصور ثابتی از خود که همان خودپنداره است می‌رسند و در نهایت، با تشکیل یک مفهوم خود مثبت یا منفی به‌صورت افرادی با اطمینان و دارای خودکارآمدی بالا و یا افرادی نامطمئن، با اعتمادبه‌نفس و خودکارآمدی پایین درمی‌آیند.

برای تبیین این یافته همچنین می‌توان گفت از آنجا که منابع اصلی تأثیرگذار بر خودکارآمدی در خانواده متمرکز شده است، والدین با کاربرد سبک

کارآمد فرزندی‌پروری و ایجاد محیطی گرم و ایمن، حس کنجکاوی فرزندان را تحریک می‌کنند و از این رهگذر به بنای خودکارآمدی فرزندان کمک کرده‌اند. از سوی دیگر، سبک‌های فرزندی‌پروری ناکارآمد با ایجاد خشم و خصومت والدین نسبت به فرزندان، طردکردن آنان و یا نادیده گرفتنشان باعث می‌شود که فرزندان دچار مشکلات اجتماعی و بروز رفتارهای ضداجتماعی و برخی اختلال‌های روانی شوند.

نتایج پژوهش نشان داد، خودکارآمدی بر سوءمصرف مواد اثر مستقیم دارد که در راستای پژوهش قانونی حقیقت (1398)، تریپور کار و همکاران (2019)، کادن و لیت (2011) است. باید گفت خودکارآمدی پیش‌بینی‌کننده آغاز و تداوم وضعیت‌های عاری از اعتیاد است. کسانی که دارای سطح خودکارآمدی کمی هستند، نمی‌توانند خود را به‌خوبی با تغییرات مقابله‌ای مربوط به سوءمصرف مواد تطبیق دهند، درحالی‌که افرادی که سطح بالاتری از خودکارآمدی دارند، اراده قوی‌تری برای تغییر عدم‌گرایش به رفتارهای اعتیادآور نشان می‌دهند. خودکارآمدی بالا به جوانان کمک می‌کند تا در مقابل فشار دوستان و محیط مقاومت نموده و رفتارهای خود را کنترل نمایند؛ بنابراین، بین سوءمصرف مواد و خودکارآمدی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که خودکارآمدی نمی‌تواند نقش میانجی را در رابطه بین متغیرهای مستقل (سبک فرزندی‌پروری و فراشناخت) با سوگیری به مواد مخدر ایفا کند.

دراین پژوهش، تکانشگری بر سوءمصرف مواد اثر مستقیم داشت؛ که در راستای نتایج پژوهش محمودی (1395)، فولادی و همکاران (1396) قرار دارد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت افراد تکانشگر انتخاب‌هایشان شامل انتخاب منافع کوتاه‌مدت، هرچند کم‌ارزش‌تر، در قبال منافع بلندمدت ولی باارزش‌تر است. افراد تکانشگر در ارزیابی زمان مشکل دارند و در نتیجه زمان برای آن‌ها بسیار آهسته‌تر از افراد نرمال می‌گذرد. این دسته از افراد، زمان آمادگی کمتری برای تمرکز کردن روی تکالیف صرف می‌کنند. همچنین آن‌ها ضعف درخور توجهی در یادگیری تداعی‌های مناسب بین پاداش و تنبیه دارند

که برای انتخاب مناسب، از اهمیت بسیاری برخوردار است. مشکلات ناشی از تکانشگری مثل بازداری ضعیف، تصمیم‌گیری و عدم برنامه‌ریزی می‌تواند یک مانع عمده در مسیر درمان افراد مبتلا به اختلال سوءمصرف مواد مخصوصاً در شروع ابتلا به مواد، پیروی و تداوم درمان باشد.

در پژوهش حاضر اثر مستقیم فراساخت بر استعداد سوءمصرف مواد معنی‌دار نبود؛ که در راستای پژوهش اسپادا و همکاران (2015) نبود. همچنین متغیر تکانشگری نقش واسطه‌ای در رابطه بین دو متغیر فوق ایفا کرد. در این زمینه می‌توان گفت رفتارهای تکانشی همانند یک ماشه‌چکان عمل می‌کنند و منجر به شکل‌گیری تمایل شدید مصرف در سوءمصرف‌کنندگان مواد و در نتیجه ناتوانی‌شان برای مقاومت در برابر آن می‌شود. هر چه تکانشگری در فرد بیشتر باشد، میزان گرایش او به سمت مواد مخدر بیشتر است؛ زیرا فردی که گرفتار تکانشگری است، به عواقب انجام کارها نمی‌اندیشد و در برابر رفتارهای نامناسب نیز صبر و تحمل از خود نشان نمی‌دهد و بی‌تاب است. فرد دارای صفت تکانشگری، اهل ریسک کردن بدون توجه به پیامدهای آن است؛ بنابراین، مشخص است که فرد گرفتار تکانشگری، مستعد گرایش به سمت مواد مخدر است زیرا به پیامدهای کوتاه‌مدت مصرف مواد که همان لذت زودگذر است، فکر می‌کند و به عواقب ناشی از آن که بسیار وخیم و طاقت‌فرسا است، نمی‌اندیشد و راحت‌تر از دیگران، آمادگی گرایش به سمت مواد مخدر را دارد. خودکارآمدی بر تکانشگری نیز اثر مستقیم نشان داد. به نظر بندورا (1989) خودکارآمدی یعنی اینکه معتقد باشیم می‌توانیم با وضعیت‌های مختلف کنار بیاییم. افراد خودکارآمد انتظار دارند موفق شوند و غالباً موفق می‌شوند و برعکس کسانی که در مورد توانایی خود در انجام تکالیف شک دارند کمتر موفق می‌شوند و عزت‌نفس و اعتماد به نفس آن‌ها کم است. در سطوح بالاتر خودکارآمدی به رفتار گرایش در برابر رفتار اجتناب منجر می‌شود؛ در تبیین این موضوع می‌توان گفت خودکارآمدی به خودآگاهی منجر می‌شود و فرد درمی‌یابد که در چه موقعیت‌هایی دچار رفتارهای اشتباه از جمله تکانشگری می‌شود. معمولاً این افراد با خودآگاهی و کنترل می‌توانند مانع

صفاتی بشوند که منجر به پیامدهای ناگوار (مانند تکانشگری) می‌شود. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر عدم تأثیر مستقیم فراشناخت بر تکانشگری بود. متغیر فراشناخت بر خودکارآمدی اثر مستقیم داشت. نلسون¹ (1999) فراشناخت را در ارتباط با شناخت و به‌عنوان زیرشاخه‌ای از آن توصیف می‌کند چراکه این مفهوم نیازمند هشیاری و تا حدودی کنترل شناخت است. فراشناخت شامل هوشیاری مشخص یادگیرنده نسبت به توانمندی‌ها، ضعف‌ها، منابع، راهبردهای یادگیری و تشخیص موقعیت‌هایی است که در آن راهبردهای خاص مؤثر یا ناکارآمدند؛ که این با خودآگاهی مرتبط است. پس می‌توان گفت فراشناخت با فراآگاهی یکی است؛ به عبارتی کسی که به خودآگاهی رسیده، درباره توانمندی‌ها، ضعف‌ها و علائق و... خود و علت آن‌ها تفکر می‌کند. خودکارآمدی هم سطحی پایین‌تر اما مرتبط با فراشناخت را دارد و بی‌تردید می‌توان گفت فرد برای رسیدن به فراشناخت ابتدا باید به خودآگاهی و خودکارآمدی برسد. دانشجویانی که خودکارآمدی بالایی دارند احتمالاً بیشتر از راهبردهای خودتنظیمی استفاده می‌کنند؛ به‌بیان دیگر، افراد خودکارآمد، بیشتر تلاش می‌کنند تا رفتارهای اجتماعی را درک کنند، در مورد رفتارهای ضداجتماعی عمیق‌تر فکر کرده و برای انجام وظایف اجتماعی خود برنامه‌ریزی می‌کنند. کاربرد راهبردهای فراشناخت در هنگام رفتار، با خودکارآمدی بالا تطابق دارد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر اثر مستقیم سبک فرزندپروری بر تکانشگری در راستای پژوهش محمودی (1395) قرار دارد. متخصصان و روان‌شناسان، علت بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های نوجوانان مثل تکانشی‌بودن را روابط خانوادگی و روش فرزندپروری والدین می‌دانند و بر تأثیر وقایع و رویدادهای دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت افراد و زندگی آن‌ها تأکید می‌کنند. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که وقتی خانواده حامی و دلگرم‌کننده جوان باشد، مشکلات رفتاری او کاهش می‌یابد. وقتی والدین باور ترقی‌خواهانه (اقتدار منطقی) دارند؛ یعنی در تربیت فرزندان خود از فشار استفاده نمی‌کنند، بلکه با کودکان خود سخن می‌گویند و درباره مسائل به توافق می‌رسند، میزان

رفتارهای اجتماعی آن‌ها افزایش می‌باید که بروز رفتارهای اجتماعی خود می‌تواند شاخصی از کاهش مشکلات رفتاری مخصوصاً تکانشگری باشد.

پیشنهادها

1- با توجه به اینکه شروع گرایش به مواد مخدر در دوره نوجوانی است، در مدارس متوسطه اول در راستای آگاه‌سازی دانش‌آموزان و والدین از مؤلفه تکانشگری، از همه دانش‌آموزان این مقطع تست تکانشگری گرفته شود و در صورت گرفتن نمره بالا در این تست، خود دانش‌آموز، والدین و همکاران آموزشی آگاهی‌ها و تمهیدات لازم جهت پیشگیری از گرایش به مصرف مواد را در دستور کار خود قرار دهند.

2- پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی، روابطی غیر از مؤلفه‌های مدل پژوهش حاضر را بر روی سوءمصرف مواد، اجرا کنند و یک فرمول کلی در مورد صفات تأثیرگذار بر متغیر وابسته به دست آورند که این فرمول بتواند افزایش یا کاهش هر صفت تأثیرگذار در گرایش به مواد را بر سوءمصرف پیش‌بینی کند.

سپاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از استادان و کارکنان دانشگاه حکیم سبزواری که ما را در انجام و ارتقای کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام کنند.

- بوستانی، فاطمه. (1390). رابطه خودکارآمدی و هدف‌های پیشرفت با فراشناخت و مقایسه عوامل متغیر اخیر در دانش‌آموزان دختر دوره دبیرستان شهرستان ممسنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بهادری خسروشاهی، جعفر و خانجانی، زینب. (1392). ارتباط راهبردهای مقابله‌ای و خودکارآمدی با گرایش به سوءمصرف مواد در دانشجویان. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، 14(53)، 80-90. قابل‌بازیابی از: https://jsr-p.isfahan.iau.ir/article_533885.html
- پورکرد، مهدی. (1388). بررسی ارتباط خودکارآمدی، تکانشوری، فعال‌سازی - بازداری رفتار مهارت‌های اجتماعی با سوءمصرف مواد در دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- خسروی، ندا. (1397). بررسی رابطه خودکارآمدی و هوش هیجانی با خلاقیت شغلی. پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود.
- دبیری، جمال. (1396). نقش واسطه‌گری خودکارآمدی در رابطه بین فراشناخت و انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان متوسطه بخش سده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- درتاج، فریبرز. (1392). رابطه بین توانایی حل مسئله اجتماعی، تکانشگری و وابستگی به مواد در زندانیان استان کرمان به‌منظور ارائه مدل پرخاشگری. *انتظام اجتماعی*، 5(1)، 119-142. قابل‌بازیابی از: http://sopra.jrl.police.ir/article_24255.html
- رضوانی، فرخنده. (1397). رابطه بین رضایت شغلی و خودکارآمدی با تعهد سازمانی در بین مشاوران زن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

- زندکریمی، غزال و رمضان، مریم. (1396). مقایسه فراسناخت، انعطاف‌پذیری شناختی و توجه متمرکز در افراد وابسته به متامفتامین و افراد سالم. *مطالعات روان‌شناختی*، 13 (4)، 59-75. قابل‌بازیابی از: https://psychstudies.alzahra.ac.ir/article_3113.html
- عابدینی ترک‌آباد، علی. (1397). بررسی رابطه بین خودکارآمدی و شادمانی با رضایت شغلی کارکنان دانشگاه اردکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان.
- کوچکی، سیده محدثه. (1390). رابطه بین توانایی، خودکارآمدی و رویکردهای یادگیری با فراسناخت در دانش‌آموزان یک تحلیل مسیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت‌معلم.
- علائی خرایم، سارا؛ بشرپور، سجاد؛ حاجلو، نادر و نریمانی، محمد. (1399). اثر الگوی ارتباطی خانواده بر گرایش به مصرف مواد با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در بین دانشجویان. *انتظام اجتماعی*، 12(4)، 29-56. قابل‌بازیابی از: http://sopra.jrl.police.ir/article_95226.html
- غدیری صورمان‌آبادی، فرهاد؛ عبدالمحمدی، کریم و یوسف‌زاده، باقر. (1396). مروری بر عوامل روان‌شناختی مرتبط با گرایش به سوءمصرف مواد مخدر در ایران. *رویش روان‌شناسی*، 6(3)، 239-254. قابل‌بازیابی از: <http://frooyesh.ir/article-1-861-fa.html>
- فولادی، فاطمه؛ درویش‌زاده، نیلوفر و کاویانی بروجنی، مهدیس. (۱۳۹۶). بررسی نقش خشونت و تکانشگری در پیش‌بینی گرایش به سوءمصرف مواد نوجوانان (مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم خانمیرزا)، دومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و مشاوره، اصفهان، دانشگاه هشت‌بهشت اصفهان. قابل‌بازیابی از: <https://civilica.com/doc/770079>
- قانعی حقیقت، زینب. (1398). نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در رابطه بین جو عاطفی خانواده و گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان مقطع متوسطه.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی
مرودشت.

– محمودی، مریم. (1395). رابطه تأییدجویی، تکانشگری و اضطراب نوجوانان
با شیوه‌های فرزندپروری والدین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی و
علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء.

– منصوری جلیلیان، افسانه و یزدانبخش، کامران. (1395). پیش‌بینی گرایش
به سوءمصرف مواد مخدر بر اساس خودمتمایزسازی و باورهای فراشناخت
دانشجویان. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، شماره 2 (پیاپی 11)،
43-52. قابل بازیابی از:

<https://doi.org/10.22108/cbs.2016.20993>

- Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition. *Family transitions*, 1st Edition.
- Brewer, B. R. (2017). How parenting style relates to adolescent substance abuse in an at-risk male population.
- Brosnan, T., Kolubinski, D. C., & Spada, M. M. (2020). Parenting styles and metacognitions as predictors of cannabis use. *Addictive behaviors reports*, 11, 100259. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/j.abrep.2020.100259>
- Calafat, A., García, F., Juan, M., Becoña, E., & Fernández-Hermida, J. R. (2014). Which parenting style is more protective against adolescent substance use? Evidence within the European context. *Drug and alcohol dependence*, 138, 185-192. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/j.drugalcdep.2014.02.705>
- Cobb-Clark, D. A., Salamanca, N., & Zhu, A. (2019). Parenting style as an investment in human development. *Journal of Population Economics*, 32, 1315-1352. Retrieved from:
<http://hdl.handle.net/10419/130371>

- Kadden, R. M., & Litt, M. D. (2011). The role of self-efficacy in the treatment of substance use disorders. *Addictive behaviors*, 36(12), 1120-1126. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2011.07.032>
- Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting Styles: A Closer Look at a Well-Known Concept. *Journal of child and family studies*, 28(1), 168-181. Retrieved from: <https://doi.org/10.1007/s10826-018-1242-x>
- Pollard, M. W., & McKinney, C. (2019). Parental physical force and alcohol use in emerging adults: Mediation by psychological problems. *Journal of interpersonal violence*, 34(10), 2087-2109. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/0886260516659654>
- Purehsan, S., Falsafinejad, M., Delavar, A., Farokhi, N., Borjali, A. (2016). Metacognitive Beliefs and Students' Tendency toward Drug Abuse and Cross-level Effect of School-Bounding. *Iranian Journal of Practice in Clinical Psychology*.4(1),33-43. Retrieved from: <http://jpcp.uswr.ac.ir/article-1-218-fa.html>
- Sheykhnezhad, F., & Seyedfatemi, N. (2019). Effect of group education on self-efficacy and craving tendencies in drug abusers in 5th Azar Drug Abuse Treatment Center of Gorgan. *Cogent Psychology*, 6(1), 1587818. Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/23311908.2019.1587818>
- Spada, M. M., Nikčević, A. V., Moneta, G. B., & Wells, A. (2007). Metacognition as a mediator of the relationship between emotion and smoking dependence. *Addictive behaviors*, 32(10), 2120-2129. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2007.01.012>
- Tam, C. L., Chong, A., Kadirvelu, A., & Khoo, Y. T. (2012). Parenting styles and self-efficacy of adolescents: Malaysian scenario. *Global Journal of Human Social Sciences (GJHSS)*, 12(14), 19-25. Retrieved from: zaya.io/4nr43

- Tur-Porcar, A. M., Jiménez-Martínez, J., & Mestre-Escrivá, V. (2019). Substance use in early and middle adolescence. The role of academic efficacy and parenting. *Psychosocial Intervention*, 28(3), 139-145. Retrieved from: <https://journals.copmadrid.org/pi/art/pi2019a11>

